

عدالت اقتصادی

در حکومت علوی

علی احمد راسخ

مقدمه

تفاوت و تبعیض در بهره‌مندی از مواهب و منابع موجود برای تأمین ابعاد مختلف زندگی، همزاد تاریخ بشر است. از زمانی که برخی از گروه‌های اجتماعی توانایی کنترل رفتار و تحمیل خواسته‌های خویش بر دیگران را به‌دست آوردند، بسیاری از منابع قدرت، درآمد، حیثیت و مقام اجتماعی در اختیار گروه اندکی قرار گرفتند. چنین وضعیتی پیامدهای ناگواری را برای اکثریت افراد جوامع بشری به‌بار آورد. وضعیت نابسامان گروه‌های متعدد، افراد گوناگونی را برانگیخت تا برای زدایش بی‌عدالتی، مبارزات فکری و حتی مسلحانه را در پیش گیرند. پیامبران الهی، دانشمندان، سیاستمداران و برخی از انسان‌های جنگجویان در این عرصه ییکارهای عظیمی به‌راه انداخته‌اند. هدف از مبارزات با تبعیض، دستیابی به عدالت بود؛ تأمین زندگی آبرومندانه و سازگار با شأن بشری افراد. گستردگی عرصه ییکار و تعدد گروه‌های درگیر این فرایند، نیل به تعریف واحد و مورد قبول اکثریت را از هدف (عدالت) ناممکن ساخته‌است. در برخی از نحلله‌های فکری، عدالت در شکلی از توزیع جستجو شده‌است که عین نابرابری می‌باشد. در مواردی که از توزیع متناسب و مساوی یا نزدیک به آن سخن می‌رود، گاهی منابع مورد توزیع مشخص نمی‌شود. در بیشتر موارد، عدالت در توزیع عادلانه و برابر منابع اقتصادی جستجو شده‌است. البته بی‌عدالتی تنها به توزیع نابرابر اقتصادی محدود نمی‌شود؛ هر چند بی‌عدالتی اقتصادی سریعتر از سایر موارد



امام علی (ع) برای جلوگیری
از بی‌تعدالی جامعه و پایمال شدن
حقوق توده‌ها، نظارت شدیدی را بر
دارایی، درآمد و

فعالیت‌های اقتصادی کارگزارانش

انجام می‌داد. البته

امام (ع) از فعالیت‌های قانونی و

مشروع آنها مانع نمی‌شد بلکه

حساسیت ایشان

نسبت به نحوه وصول و

هزینه‌سازی بیت‌المال بود؛ زیرا

بیت‌المال به مسلمین تعلق داشت و

استفاده نابجا و نادرست از آن، به معنای

تصرف در مال غیر بود و در تعارض با

عدالت.

و مصالح افراد براساس چنین لایه‌بندی عدالت خوانده می‌شود.
در کلام امام (ع)، نخست درهم‌شکنی ساختار پیشین و
سبسبب وضع امور در جایگاه مناسب و مبتنی بر معیارهای الهی
است.

در دیدگاه امام علی (ع) عدالت، اصل و اساس و غایت است.
رسیدن به عدالت هدف است و سایر امور با آن سنجیده می‌شود.
عدالت پایه قوام و استواری جهان و مردمان است^۱ و
مایه گشایش^۲. همچنین عدالت از گستردگی
برخوردار است که تمام امور را دربر می‌گیرد. با این
دید، اجرای عدالت در یک بخش به معنای کمال
نسبت و تنهایی زمانی از استقرار عدل می‌توان سخن
گفت که جنبه فراگیری آن نمایان گردد. در سخنان
علی (ع) این فراگیری در تمام ابعاد زندگی و در ارتباط
با یکدیگر مطرح می‌شود. آنگاه که از عدالت سیاسی
سخن می‌گوید، عدالت اقتصادی فوراً به دنبال می‌آید
و عدالت قضایی نیز. در مسائل عبادی هم عدالت علی
برجسته است؛ چنان که در امور نظامی و رفتار با
اصحاب جنگ. بنابراین، عدالت موردنظر آن بزرگ
پیشوای عادل، زمانی بهتر درک می‌شود که مسائل
حقوقی، سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی و
اجتماعی همزمان موردکنکاش قرار گیرند.

آنچه در این نوشتار موردنظر است، تنها یک
بخش از زندگی جامعه و افراد را دربر می‌گیرد و آن

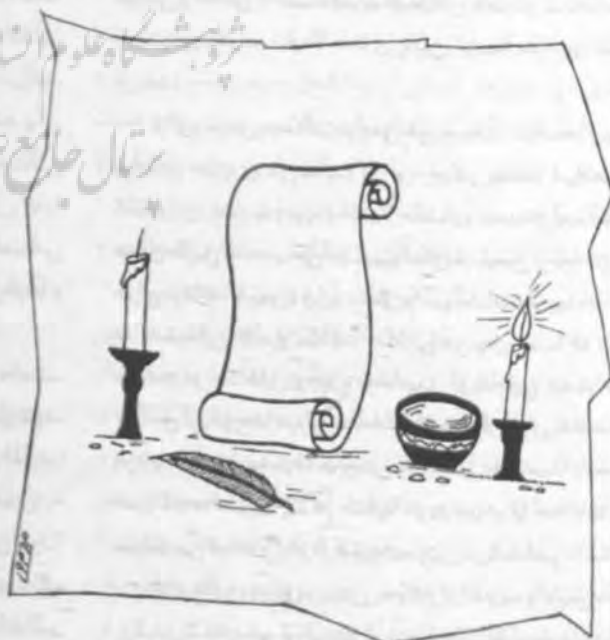
نابرابری خود را نشان می‌دهد. جامعه‌ای که در آن گروه‌های
خاصی بیشتر درآمد را به خود اختصاص می‌دهند، به
همان اندازه با عدالت فاصله دارد که دستیابی به قدرت سیاسی و
مقام‌های عالی مملکتی انحصاری شده باشد. همچنان که عدم
دستیابی به آموزش، خدمات عمومی و حرمت و کرامت انسانی از
مظاهر بی‌عدالتی است.

مبارزه با بی‌عدالتی اختصاص به جامعه و فرهنگ خاصی
ندارد. انسان‌های مختلف با بینش و نگرش‌های متفاوت برای
استقرار نظام عادلانه مبارزه و تلاش کرده‌اند؛ هرچند میزان،
عمق، هدف و نگرش به آن یکسان نبوده است. جدی‌ترین مبارزه
را در این عرصه، پیامبران و دین‌باوران انجام داده‌اند. ستیز با
نابرابری و بهره‌کشی «در حیات پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع)
به اوج می‌رسد.

امام علی و مفهوم عدالت اقتصادی

«عدالت» از مفاهیمی است با گستردگی زیاد و ابهام بسیار.
برای مشخص شدن و تعیین قلمرو بحث، معمولاً واژگانی
به‌عنوان «صفت» و توضیح‌دهنده به کار گرفته می‌شوند؛ عدالت
اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت قضایی، عدالت اجتماعی و ...
از آن دسته‌اند. برای درک و دریافت دیدگاه امام علی (ع) درباره
عدالت و زیرمجموعه آن باید به تعریف عدالت و جایگاه آن
پرداخت.

امام علی (ع)، عدل را به وضع امور در مواضعش و تأمین‌کننده
و تدبیرکننده سود و منافع همگانی، تعریف می‌کند.^۱ این تعریف
در تقابل با تعاریف رایج در یونان باستان است مثلاً افلاطون
نخست، جامعه را به دسته‌ها و طبقات مختلف تقسیم می‌کند و
راه را بر هر گونه تحرک عمودی اجتماعی می‌بندد و تأمین منافع





مسائل اقتصادی است. نیازهای اقتصادی بیشتر و زودتر از سایر نیازها خودنمایی می‌کنند و بخش زیادی از فعالیت‌های بشری برای تأمین آن نیازها به کار گرفته می‌شود. با توجه به اهمیت اقتصاد، رابطه این بخش از زندگی با سایر ابعاد حیات فرد، گروه و جامعه به خوبی عیان می‌گردد. تردیدی وجود ندارد که جنبه‌های مختلف زندگی بر یکدیگر اثر می‌گذارتند و نیز اثر می‌پذیرند اما این رابطه متقابل به معنای یکسانی اثر نمی‌باشد. نیاز به استدلال ندارد که گروهها و جوامع مستغرق در فقر چگونه‌اند و چه می‌کنند. تجربه بشری نشان می‌دهد که افراد یا جامعه ناتوان از تأمین نیازهای اولیه نمی‌توانند سایر نیازهای

«عدالت» از مفاهیمی است با گستردگی زیاد و ابهام بسیار. برای مشخص شدن و تعیین قلمرو بحث، معمولاً واژگانی به عنوان «صفت» و توضیح دهنده به کار گرفته می‌شوند: عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت قضایی، عدالت اجتماعی و ... از آن دسته‌اند.

خود را برآورده سازند. آنگاه که تمام تلاشها متوجه نیازهای اولیه شوند، فرصتی برای پرداختن به کمالات و علم باقی نمی‌ماند. ممکن است چنین پنداشته شود که درگیری با مشکلات، نقطه آغاز حرکت به سوی وضعیت بهتر است. در برابر این دیدگاه نیز وجود دارد که تهیدستان اسیر تطابق و سازگاری با تهیدستی‌اند. اسیر، زمانی به دنبال رهایی است که مژه آن را چشیده باشد و آن که همیشه اسیر است، نه مشکلی به نام اسارت دارد و نه راه نجاتی به نام آزادی. دنیای تهیدستان، چنین دنیایی است؛ دنیایی که با نداری آغاز می‌شود و با بدبختی پایان می‌یابد. نه خود احساس بزرگی می‌کند و نه دیگران بزرگش می‌دارند. استدلالش نارسا و زهدش نادانی پنداشته می‌شود.^۲

جامعه نابرابر، مظهر قطب‌بندی «گرسنه» و «سیر» است. در آن جا «کفله ظالم» و «سغب مظلوم» نمایان می‌شود. جامعه‌ای با این قطب‌بندی، جامعه توحیدی و مورد قبول علی (ع) نیست. برای زدایش شرایط ناعادلانه زندگی و دستیابی به عدالت اقتصادی، امام (ع) چه شیوه‌ای را در پیش می‌گیرد؟ یادآوری این مطلب لازم است که جامعه زمان خلیفه سوم، یک جامعه قطب‌بندی شده و دارای طبقات اجتماعی برحسب درآمد و قدرت و در تقابل (از نظر توزیع) با جامعه اسلامی مورد نظر

پیامبر(ص) بود. امام (ع) زمان عثمان را چنین توصیف می‌کند: «... قام ثالث القوم نافجاً حَضْنِهِ بَيْنَ ثِيْلِهِ وَ مُعْتَلَقِهِ وَ قَامَ مَعَهُ بِنَوَائِيهِ يَخْضُمُونَ مَالَ اللَّهِ حَضْمَةَ الْإِبِلِ نَيْتَةَ الرَّبِيعِ، أَلِي أَنْ ائْتَكَّتْ قَتْلَهُ وَ أَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ وَ كَبَّتْ بِه بَطْنَتَهُ». عثمان وقتی به خلافت رسید، «همچون چاربا بتاخت و خود را در کشتزار مسلمانان انداخت، و پیاپی دو پهلو را آکنده کرد و تهی ساخت. خویشاوندانش با او ایستادند و بیت‌المال را خوردند و بریاد دادند. چون شتر که مهار بُرد و گیاه بهاران چرد؛ - چندان اسراف ورزید - که کار به دست و پایش پیچید و پر خواری به خواری، و خواری به نگوئساری کشید.»^۵

امام (ع) از همان روزهای نخست خلافت خود برای دستیابی به عدالت، اقدامات سیاسی و فرهنگی را در نظر گرفت. البته ساخت‌شکنی و زیرساخت‌سازی صورت‌بندی جامعه محدود به اقتصاد نبود؛ زیرا بسیاری از قدرتمندان دوران عثمان، از قدرت دور ماندند و افراد جدیدی با پایگاههای اجتماعی مختلف در ساختار قدرت وارد شدند. در کنار آن، امام کارهای آگاهی‌بخش انجام می‌دهد. لایه‌های جامعه را می‌شمارد و برجستگی‌ها و کاستی‌های هریک را می‌نماید و وظایف و تکالیف لایه‌های مختلف نسبت به فرومندگان را بیان می‌سازد و عزت و کرامت آدمی را مطلوب قرار می‌دهد.

امام علی (ع) و اقدامات دادگرانه اقتصادی

عدالت اقتصادی به معنای عدالت توزیعی است که طی آن منابع و امکانات زیستی به صورت برابر و عادلانه و بدون توجه به پایگاه و جایگاه طبقاتی، در اختیار افراد قرار گیرند. قبل از حکومت حضرت علی (ع) لایه‌بندی جامعه اسلامی بر اساس توانایی اقتصادی شکل حادّی به خود گرفته بود. افرادی که قدرت سیاسی و نظامی داشتند، قدرت اقتصادی یافتند و شکاف میان گروههای قدرتمند و لایه‌های پایین جامعه هر روز بیشتر می‌شد.

برای رسیدن به عدالت توزیعی، توزیع مجدد درآمدها و منابع درآمدی ضروری می‌نماید. در آن روزگار جامعه اسلامی به کشاورزی، تجارت و جهاد اشتغال داشت و عمده درآمد آنان از همان طریق به دست می‌آمد. بیت‌المال مسلمین برپایه دریافت خراج، زکات، خمس، جزیه، انفال و غنیمت استوار بود. با توجه به گستردگی قلمرو خلافت اسلامی می‌توان گفت که درآمد خلافت در حد قابل توجهی بوده‌است. از آنجایی که در نظام سیاسی آن دوره‌ها میزان خدمات ارائه شده از سوی حکومت به مردم اندک بود، مصارف حکومتی رقم بالایی را به خود اختصاص نمی‌داد؛ مخصوصاً که در جنگها مردم بیشتر با امکانات خود شرکت می‌کردند و بجز از غنیمت مزدی دریافت نمی‌داشتند.

امام علی (ع) برای رسیدن به یکی از اهداف والایش، یعنی پر کردن شکاف بین ثروتمندان و فرومندگان یا انجام تعهد الهی انسانهای مسؤول مبنی بر برنتابیدن ظلم شکمبارگان و

ستمیدگی گرسنگان، به بیت‌المال و دارایی خاصه متوسل می‌شود. ابزارهایی مانند آموزش همگانی و رایگان، تأمین بهداشتی، بیمه و توزیع منابع درآمدی (مانند زمین) غالباً از ابزارهای جدید هستند. بنابراین انجام سیاست توزیعی برابر، باید بر نحوه توزیع بیت‌المال که از طریق جمع‌آوری انواع مالیات اسلامی تأمین مالی می‌شد، متمرکز شود. در کنار آن می‌توان از سیاست تصحیح قیمت عوامل تولید و توزیع غذا بین پایین‌ترین لایه‌های تهیدستان یاد کرد. یادآوری این نکته لازم است که بیت‌المال وظیفه تأمین مالی هزینه‌های عمومی و مصارف دستگاه خلافت را نیز برعهده داشت.

بیت‌المال؛ توزیع برابر

مهمترین منبع مالی مصارف حکومتی در خلافت اسلامی و حکومت علوی، بیت‌المال بود که از طریق مالیاتهای اسلامی تأمین می‌شد. همانگونه که جنگ و دیوانسالاری را بیت‌المال تأمین مالی می‌کرد، اقدام به سیاستهای توزیعی نیز از آن طریق میسر می‌گردید. درآمد امت اسلامی پیش از حکومت علوی به‌خاطر درگیری سیاست تبعیضی توزیعی به ابزار نابرابری طبقاتی تبدیل شده بود. حضرت علی (ع) پس از به‌قدرت رسیدن، سیاستهایی را در پیش گرفت تا درآمد مسلمین به‌شکل دادگرانه توزیع شود.

۱ - توزیع بدون رعایت ملاکهای طبقاتی

براساس برخی منابع، پایه‌گذاری بناهای حقوقی نابرابری یا سهم مسلمین از بیت‌المال در زمان خلیفه دوم انجام شد. عمده منابع تاریخی، زمان عثمان را اوج توزیع نابرابر بیت‌المال در زمان خلفای راشدین می‌داند. در سخنان امام علی (ع) نیز این مسأله انعکاس یافته‌است. زمانی که امام (ع) زمام رهبری امت اسلامی را به دست گرفت، بیت‌المال با توجه به ملاک پایگاه طبقاتی - اشرافی و نزدیکی به دستگاه قدرت، توزیع می‌گردید. طبق این معیارها کسانی از بیت‌المال سهم بیشتری دریافت می‌داشتند که دارای پایگاه اجتماعی بالاتری بودند و یا در قدرت سیاسی و نظامی شریک بودند و یا از طریق روابط شخصی و فامیلی با قدرتمندان ارتباط می‌یافتند. پیامد چنین سیاستهایی، ثروتمندتر شدن ثروتمندان و پیدایش شکاف اقتصادی و اجتماعی عمیقتر میان لایه‌های بالا و پایین جامعه بود.

با فرارسیدن رهبری امام علی (ع) شاخصهای توزیعی نابرابری زای پیشین فرو ریختند. رابطه بین قدرت و سهم‌بردن از بیت‌المال قطع شد و فروماندگان جامعه هم‌تراز با اشراف و بلندپایگان جامعه قرار گرفتند. چنین شیوه‌ای با عدالت‌سازگار و برآورنده حقوق مردم بر حاکم بود. امام علی (ع) «بسیار حریص بود که در گفتار و کردار و برخورد با مردم و تقسیم مال برابری را نگاه دارد، حتی اگر بخشش وی در برابر سؤالی بود، باز می‌خواست مساوات و برابری را حفظ کند. یک روز دو زن نزد او آمدند و درویشی آشکار کردند و از او چیزی خواستند. چون

دانست که حقّی دارند، فرمان داد که خوراکی و پوشاکی بر ایشان خریدند و پولی نیز به ایشان داد. یکی از آن دو خواست که امام او را بر دیگری برتری دهد، به این بهانه که وی عرب است و دیگری از موالی. علی مشت خاکی برداشت و در آن نگرست و آنگاه گفت: آنچه من می‌دانم، این است که خدا هیچ کس را بر دیگری برتری نمی‌دهد، جز با فرمانبرداری و پرهیزگاری» ۶.

در رابطه با پیرامونیان و بستگان صاحبان قدرت، امام (ع) خواستار قطع ارتباط بین این پیوند و استفاده از بیت‌المال و ستم بر دیگران می‌شود. حضرت علی (ع) به مالک‌اشتر می‌نویسد: «... والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن، ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآور و به هیچیک از اطرافیان و خویشاوندان زهمینی را به بخشش وا مگذار» ۷.

امام (ع) هنگام تقسیم بیت‌المال سهم مصارف عمومی را کنار می‌گذاشت و آنچه را که باید بین مردم توزیع می‌شد، به سرعت تقسیم می‌کرد. ایشان برخلاف خلفای پیشین، به هیچ‌وجه دوست نداشت که سهم مردم در بیت‌المال ذخیره شود. «بسیار ناخوش داشت که مرگ وی فرا رسد و چیزی در بیت‌المال بماند که آن را به صاحبان آن نرسانده باشد» ۸. این برنامه، ناظر بر معیشت فقیرترین افراد جامعه بود؛ زیرا تنها آنانند که درآمدها زودتر از دیگران تمام می‌شود و چشم‌به‌راه فرارسیدن سهمیه می‌مانند. از سوی بیت‌المال مال مسلمانان بود و امام (ع) دوست داشت سریعتر حق مردم را به آنان برساند. سیاست توزیع برابر، نارضایتی قدرتمندان و برخورداران را به دنبال داشت و آنان بودند که بر علی (ع) ایراد گرفتند که چرا چنین می‌کند. امام (ع) در پاسخ می‌گوید: «مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سر آید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود؛ همگان را برابر می‌داشتم تا چه رسد که مال، مال خداست. بداند که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تزییر و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرامی کند و نزد خدا خوار گرداند» ۹.

۲ - عدالت در وصول مالیات

یکی از راههای مهم برای انجام توزیع عادلانه، اخذ مالیات است. مالیات از گذشته تا حال، اشکال و انواع مختلف را به خود دیده‌است. اقتصاد اسلامی مانند نظامهای اقتصادی دیگر، مالیات خاص خود را داشته‌است. هدف از وصول مالیات تأمین مالی هزینه‌های عمومی و متعادل‌سازی یا عادلانه‌سازی توزیع درآمد است. با اخذ مالیات، بخشی از درآمد لایه‌هایی که مشمول مالیات می‌شوند، دریافت می‌گردد تا منابع دولت برای کارهای عمومی و تزریق به لایه‌های پایین جامعه تأمین شود. امام به یکی از مأموران جمع‌آوری مالیات (زکات) می‌نویسد: «و



تو را در این زکات بهره‌ای معین است و حقی معلوم و روشن و شریکانی داری درویش و ناتوان و پریش. ما حقی تو را به تمام می‌پردازیم، پس باید حقوق آنان را تمام برسانی و گرنه روز رستاخیز دارای بیشترین خصمانی؛ و بدا به حال آن کس نزد خدا که خصمان او مستمند باشند و گدا، در یوزه کنان و رانده شدگان و وامداران و تهیدستان در راه ماندگان...»

در صدر اسلام مهمترین مالیاتهای اسلامی خراج، خمس و زکات را دربر می‌گرفت. با توجه به توزیع برابر بیت‌المال ممکن است چنین برداشت شود که منابع بیت‌المال خراج و غنیمت بوده‌است که از شبه جزیره و سرزمینهای شرقی خلافت اسلامی واصل می‌شد. مالیاتهای تحت قلمرو معاویه به دمشق فرستاده می‌شد و «غنیمت احتمالاً به نواحی مرزی در شرق و قفقاز محدود می‌گردید.

در حکومت علوی مالیات از ابزارهای عدالت اقتصادی - اجتماعی است و تأمین‌کننده لایه‌های پایین جامعه. در همان حال، عدالت مالیاتی و دادگری در وصول مالیات که تأمین‌کننده منافع موردی می‌باشد، به شدت رعایت می‌شود. با معیارهای عدالت مالیاتی در اقتصاد متعارف، می‌توان عدالت مالیاتی را در حکومت علوی

سنجید: اصل بهای خدمات و اصل قدرت پرداخت. اما با توجه به اینکه در آن دوره‌ها سیستمهای دولت - رفاه وجود نداشت، ممکن است گفته شود که مالیات اسلامی بدون ارائه خدمات از سوی دولت است و در واقع یک نوع دریافت بدون پرداخت. در پاسخ می‌توان گفت که مالیات اسلامی جنبه عبادی و تکلیفی دارد و به علاوه دولت در آن زمان تأمین‌کننده امنیت داخلی و خارجی بود؛ چنان که مسائل قضایی و دیوانسالاری را حل و فصل می‌کرد و وظیفه تبلیغ و ترویج دین را به عهده داشت و چه بسا عمران زمین را نیز. بنابراین دولت خدماتی را ارائه می‌کرد و در نتیجه اخذ مالیات روند یکسویه نبود.

معیار دیگر عدالت مالیاتی، قدرت پرداخت مؤدی است. در حکومت علوی رعایت قدرت پرداخت مؤدیان جمالیاتی در حد بالایی به چشم می‌خورد. در نظامهای امروزی ملاکهایی برای ارزیابی قدرت پرداخت در نظر گرفته شده‌اند تا در صورت عدم همکاری مؤدیان به آنها متوسل شود. در حکومت امام علی (ع) معیار سنجش،

اقرار و اعلان مؤدی در نظر گرفته شده‌است. مناسب است به سفارشات امام علی (ع) به مأمور وصول زکات استناد شود:

«برو با ترس از خدا که یگانه‌است و بی‌همتا، مسلمانی را مترسان! و اگر او را خوش نیاید، بر سر وی مَران! و بیش از حق خدا از مال او مستان! چون به قبیله رسی، بر سر آب آنان فرود آی و به خانه‌هاشان درمیای! پس آهسته و آرام سوی ایشان رو تا به میان آنان رسی و سلامشان کن و در درود گفتن کوتاهی مکن! سپس بگو: بندگان خدا، آیا خدا را در مالهای شما حقی است تا آن را به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه! متعرض مشو؛ و اگر کسی گفت: آری! با او برو، بی‌آنکه او را بترسی یا بیمش دهی، یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی! آنچه از زر یا سیم به تو دهد، بگیر؛ و اگر او را گاو و گوسفند و شترهاست، بی‌رخصت او از میان آن در مشو که بیشتر آن رمه، اوراست؛ و چون به رمه رسیدی، چونان کسی به میانشان مرو که بر رمه چیرگی دارد یا خواهد که آنها را بیازرد؛ و چهاربایان را از جای مگریزان و مترسان، و با خداوند آن در گرفتن حق خدا بدرقتاری مکن!...»

[برای دریافت] خراج، پوشش زمستانی و تابستانی - رعیت - را مفروشید و چهارپایی که بدان کار کنند و بنده‌ای را - که در اختیار دارند - و برای دره‌می کسی را تازیانه مزیند و دست به مال کسی میرید، نمازگذار باشد یا یمان مسلمان را عهده‌دار؛ جز آنکه اسبی یا جنگ‌افزاری را ببینید که در جنگ با مسلمانان به کار می‌رود که مسلمان را روا نیست اسب و جنگ‌افزار را در دست دشمنان اسلام و نهد تا موجب نیروی آنان بر زبان مسلمانان گردد، و الله خیر خواهی را دریغ مدارید...»

چنانچه از سخنان فوق برمی‌آید، رعایت حال مؤدیان، اصل در دریافت مالیات است و تنها زمانی این مسأله رعایت نمی‌شود که منافع شخصی مؤدی در تعارض با منافع امت اسلامی گیرد که در آن صورت منافع امت اسلامی اصل می‌شود. رعایت منافع کلان مسلمین همیشه یک اصل است و حتی در وصول نوع کالاهای دریافتی به نام مالیات. «آنچه از حیوانات [کلاتسال است یا پیر و فرسوده، یا شکسته‌پا و پشت و یا بیماری‌اش ناتوان نموده و یا عیبی در او بوده، مگر!...»

در نحوه گزینش احشام دریافتی برای مالیات از میان رمه و گله مؤدی نیز جانب او

سیاست توزیع برابر

نارضایتی قدرتمندان و

برخورداران را به دنبال داشت و

آنان بودند که بر علی (ع) ایراد

گرفتند که چرا چنین می‌کند.

امام (ع) در پاسخ می‌گوید: «هر

فرمان می‌دهید تا پیروزی را

بجویم به ستم کردن درباره آن

که والی اویم؟ به خدا که نپذیرم

تا جهان سر آید و ستاره‌ای در

آسمان پی ستاره‌ای بر آید. اگر

مال از آن من بود؛ همگان را

برابر می‌داشتم تا چه رسد که

مال، مال خداست.



می داده است. ۱۶.

دغدغه امام (ع) تسیت به حفظ و توزیع بیت‌المال مسلمین بیش از اندازه است. به مأموران وصول سفارش می‌شود که اموال مسلمانان را از دست افراد امین بفرستند و هنگام نقل و انتقال، مسائلی را رعایت کنند تا تأمین‌کننده منافع امت اسلامی باشند. «... چون مال مسلمانان را با کسی روانه می‌داری، بدان بسیار که به دینداری او اطمینان داری تا به ولی مسلمانان رساند و او میان آنان بخش گرداند؛ و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان و دوستکاری نگاهبان که ته بر آنان درستی کند و نه زیانشان رساند و نه مانده‌شان سازد و نه خسته‌شان گرداند. پس آنچه فراهم گشته، شتابان نزد ما روانه دار تا چنان که خدا فرموده، بخش گردانیم. پس اگر امین تو آن را گیرد و رساندنش را تعهد کند، بدو سفارش کن که میان ماده شتر و بجه شیرخوارش جدایی نیفتد، و ماده را چندان ندوشاند که شیرش اندک ماند و بجه‌اش را زیان رساند؛ و در سوارشدن به خستگی اش نیندازد، و میان آن دو دیگر اشتراک عدالت را برقرار سازد؛ و باید شتر خسته را آسوده گرداند و آن را که کمتر آسیب دیده، یا از رفتن ناتوان گردیده آرام راند، و چون بر آبیگرها گذرد، به ایشان درآرد و راهشان را از زمینهای گیاهناک به جاده‌ها نگرداند؛ و در ساعت‌هایی آنها را آسوده گذارد، و به هنگام خوردن آب و چریدن گیاه مهلتشان دهد تا به‌اذن خدا فریه و تناور، نه خسته و نه بیماری لاغر، نزد ما رسند و به‌دستور کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) آن را بخش کنیم...» ۱۷.

نظارت بر کارگزاران

کنترل و نظارت بر کارگزاران از زاویه‌های مختلف قابل بررسی است. از منظر اقتصادی و با عدالت اقتصادی، قضیه برمی‌گردد به رابطه ثروت و قدرت، مقام و موقعیتها هرچه بالاتر باشند، کمابتر می‌شوند؛ یعنی افراد اندکی فرصت می‌یابند به چنین موقعیت‌هایی برسند، اما امتیازات آن بسیار است. در آن

گرفته شده است. «... مال را دو بخش کن و خداوند مال را مخیر گردان و هر بخش را برگزیر، بپذیر و بر او خرده‌مگیر. پس، مانده را دو بخش کن و او را مخیر گردان و هر بخش را که برداشت، متعرض او مشو. پس پیوسته چنین کن تا آنچه از مال او باقی می‌آید، حق خدا را ادا کردن شاید. پس حق خدا را از او بگیر - و اگر گمان زیان کند - و خواهد آنچه را قسمت شده به هم زند، بپذیر. پس هر دو بخش را به هم بیامیز و همچون بار نخست قسمت کن نیز، تا حق خدا را از مال اوستانی...» ۱۲.

اهمیت جایگاه خراج در نظام مالیاتی حکومت علوی در نامه امام به مالک‌اشتر که در آن رعایت مصالح خراج‌دهندگان سفارش می‌گردد و موارد عفو مالیاتی مشخص، به خوبی نمایان است. «و در کار خراج چنان بنگر که اصلاح خراج‌دهندگان در آن است، چه صلاح خراج و خراج‌دهندگان به صلاح دیگران است، و کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج‌دهندگان سامان نپذیرد که مردمان همگان، هزینه خوار خراجند و خراج‌دهندگان؛ و باید نگر بستت به آبادانی زمین بیشتر از ستدن خراج بود که ستدن خراج جز با آبادانی میسر نشود؛ و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد و کارش جز اندکی راست نیاید؛ و اگر از سنگینی - مالیات - شکایت کردند، یا از آفتی که - به کشت - رسیده، یا آبی که از کشته‌اشان بریده، یا باران بدانها نیاریده یا بر اثر غرق شدن یا بی‌آبی تپه گردیده، بار آنان را سبک گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد بدان، و آنچه در آن بار آنان را سبک گردانی، بر تو گران نیاید، چه آن اندوخته بود که به تو بازش دهند، با آبادانی که در شهرهایت کنند و آرایشی که به ولایتها دهند...» ۱۵. این سخنان علی (ع)، اصل مالیات در برابر خدمات را منعکس می‌سازد. همچنین نامه امام به عاملش، قرظ بن کعب درباره تقاضای مردم محل حکومت وی از امام درباره لای رومی و راه‌اندازی درباره کانالی، می‌رساند که حکومت برخی از کارهای زیربنایی و عمومی را با همکاری و مشارکت مستقیم مردم انجام

امام (ع) از همان روزهای

نخست خلافت خود برای

دستیابی به عدالت،

اقدامات سیاسی و فرهنگی

را در نظر گرفت. البته

ساخت‌شکنی و

زیروزیرسازی

صورت‌بندی جامعه

محدود به اقتصاد نبود؛



دسته از نظامهای سیاسی که نظارت و کنترل بر صاحبان قدرت میسر نباشد، احتمال سوءاستفاده از امکانات عمومی افزایش می‌یابد. چنانچه این وضعیت ادامه یابد، جامعه با سرعت زیادی به سوی نابرابری و شکاف طبقاتی حرکت خواهد کرد. درصد کمی از اعضای جامعه، درصد بالایی از دارایی را به جیب خود می‌زند که نتیجه مستقیم آن، محرومیت اکثریت جامعه و راندن آنها به سوی خط فقر است.

امام علی (ع) برای جلوگیری از بی‌تعدلی جامعه و پایمال شدن حقوق توده‌ها، نظارت شدیدی را بر دارایی، درآمد و فعالیت‌های اقتصادی کارگزارانش انجام می‌داد. البته امام (ع) از فعالیت‌های قانونی و مشروع آنها مانع نمی‌شد بلکه حساسیت ایشان نسبت به نحوه وصول و هزینه‌سازی بیت‌المال بود؛ زیرا بیت‌المال به مسلمین تعلق داشت و استفاده نابجا و نادرست از آن، به معنای تصرف در مال غیر بود و در تعارض با عدالت.

حساسیت شدید امام به عدالت اقتصادی از نامه‌های امام به والیانش کاملاً مشهود است. کارگزارانی که بیت‌المال را غارت نمودند و به مکه فرار کردند، یا به معاویه پناه بردند تا از تعقیب امام (ع) به دور باشند، مورد نکوهش فراوان قرار می‌گیرند. عاملان تهدید می‌شوند که چنانچه خیانت آنها به بیت‌المال محرز شود و یا آنکه از بازگرداندن اموال به غارت رفته خودداری نمایند و دست علی به آنها برسد، مجازات شدیدی خواهند شد. متخلفان برکنار می‌شدند و افراد دیگری به امید اجرای عدالت جایگزین. به همین جهت وقتی نامه‌ای از امام به کارگزارش می‌رسید، می‌ترسید که مبادا موردخشم قرار گرفته باشد. امام، احساس عاملان خود را دریافته بود و آنجا که از کارگزارش راضی بود، سریع به او یادآور می‌شد که منظور از نامه چیست. از یاب نمونه، امام در نامه‌ای به والی بحرین، عمر بن ابومسلمه مخزومی، می‌نویسد که منظور از احضار، ناراضی‌آیی از کار و رفتار وی نیست زیرا او کارها را خوب انجام داده و امانتداری عادل برای مال خدا و مردم بود. امام تأکید می‌کند که

هدف، همراهی وی با امام در نبرد با ستمکاران شام است.^{۱۸}

چنانچه اشاره شد، در میان نامه‌های علی (ع) به عاملان و کارگزارانش نامه‌های حاوی هشدار، راهنمایی و تهدید در قبال نحوه اداره بیت‌المال جایگاه والایی را به خود اختصاص داده‌اند. برای درک و دریافت موضع امام (ع) درباره عدالت اقتصادی به بخشهایی از نامه ایشان به ابن عباس والی بصره نقل می‌شود. این نامه بدان جهت گزیده شد که ابن عباس از نزدیکترین افراد به امام و از بستگان وی بود. سخنان دردآمیز امام (ع) به ابن عباس، اوج عدالت‌خواهی را منعکس می‌سازد و می‌رساند که علی (ع) کسی نبود که پیوندها و مصالح دیگری را بر اصول اسلام برتری دهد.

امیرالمؤمنین (ع) به ابن عباس می‌نویسد: «من تو را در امانت شریک خود پنداشتم و از هر کس به خویش نزدیکتر پنداشتم، و هیچ یک از خاندانم برای یاری و مددکاری‌ام چون تو مورد اعتماد نبود و امانت‌دار من نمی‌نمود. پس چون دیدی روزگار پسرعمویت را بیازرد، و دشمن بر او دست برد... با پسرعمویت نرد مخالفت باختی...»

چون مجال بیشتر در خیانت به امت به دست افتاد، شبان خمله نمودی و تند برجستی و آنچه توانستی از مالی که برای بیوه‌زنان و یتیمان نهاده بودند، بریودی. چنان که گرگ تیزتک برآید و بز زخم خورده و از کار افتاده رادبرآید. پس با خاطری آسوده، آن مال ر بوده را به حجاز روانه داشتی و خود را در گرفتن آن بزهکار نینداشتی. وای بر تو، گویی یا خود چنان نهادی که مرده‌ریگی از پدر و مادر خویش نزد کسانت فرستادی. پناه بر خدا، آیا به رستخیز ایمان نداری و از حساب و پرسش بیم نمی‌آوری؟

ای که نزد ما در شمار خردمندان بودی! چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا نمودی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌اشامی و کنیزکان می‌خری و زنان می‌گیری و با آنان می‌آرامی، از بیت‌المال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدانی که خدا این مالها را به آنان واگذاشته، و این شهرها را به دست ایشان مصون داشته؟ پس از خدا بیم دار و مالهای این مردم را





باز بسیار، و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم، کیفیت دهم که نزد خدا عذر خواه من گردد و به شمشیرت بزنم که کس را بدان نزد من جز که به آتش درآمد. به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش ندیدندی، و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بازستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده، نابود گردانم؛ سوگند می خورم به پروردگار جهانیان که آنچه تو بردی از مال مسلمانان، اگر مرا روا بود، شادم نمی نمود که به دستش آرم و برای پس از خود به میراث بگذارم.» ۱۹۰

۳ - تصحیح قیمت عوامل تولید (بازار) :

برای اینکه کالایی تولید شود و به دست مصرف کننده برسد، با توجه به نوع کالا عوامل مختلفی نقش بازی می کنند: زمین، سرمایه، ابزار تولید، منابع انسانی و... در فرایند تولید و مصرف معمولاً قیمت عوامل مختلف به صورت عادلانه پرداخت نمی شود. گاهی نیروی انسانی مورد بهره کشی قرار می گیرد و در مواردی بهای عوامل دیگری کمتر از مقدار واقعی پرداخت می شود. در جوامع ماقبل سرمایه داری معمولاً واسطه های بین تولید و مصرف اندکند و یا وجود ندارند. در جوامعی که تولید کننده فروشنده است، چنین بی تعادلی بین او و مصرف کننده (با فرض فروش و شرایط دیگر) برقرار می شود. آنجا که رقابت در فروش وجود نداشته باشد، کالاها با قیمت بالا به مصرف کننده فروخته می شود و یا بازار به گونه ای اداره می شود که مشتری راهی جز خرید کالاها با قیمت بالانداشته باشد. در مواردی که قیمت مناسب برای هریک از عوامل تولید در نظر گرفته نشده باشد، جامعه از لحاظ اقتصادی به سوی بی تعادلی پیش می رود.

در هر نظام اقتصادی، تصحیح قیمت عوامل تولید، یکی از ابزار توزیع عادلانه درآمد است. در حکومت علوی مسأله نظارت بر بازار مشهود است. هدف این است که عوامل تولید و فروش کالا را با قیمت گران به مشتری نفروشد و از راه ناصحیح ثروت نیندوزند و جامعه اسلامی را به بی تعادلی توزیعی نکشانند و هر کسی سهم عادلانه خود را در روند تولید، فروش و مصرف نصیب خود سازد.

دغدغه تعلق سهم عادلانه به هر صاحب سهمی زمانی به اوج می رسد که امیرالمؤمنین حق فروشنده را بر مقام فرمانروایی خود مقدم می دارد. منابع تاریخی مؤید این است که امام هنگام خرید به سراغ کسانی می رفت که وی آرا نمی شناختند تا میاداد در معامله جانب حاکم اسلامی نگاه داشته شود.

برای تصحیح وضعیت بازار، نظارت جدی بر بازار اعمال می شد. گذشته از مأموران حکومتی، شخص امام (ع) در بازار راه می رفت و به بازاریان رعایت ییمانه را گوشزد می کرد و - مثلاً - از دمیدن در گوشت بازمی داشت. در برخورد با متخلفان، نخست به اقدام فرهنگی متوسل می شد و آنان را از خداوند و روز جزا

می ترساند. در صورت عدم کارایی این روش از تازیانه یا چوب خیزران برای تأدیب آنان استفاده می شد. ۲۰۰

در حکومت علوی به بازرگانان و صنعتگران اهمیت داده می شد و در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، جایگاه مهم آنان در تأمین معیشت جامعه گوشزد می شود و رعایت حال آنان سفارش، در عین حال، این نکته مشخص است که آن که معمولاً مورد ستم قرار می گیرد، مصرف کننده است؛ زیرا او در برابر سودجویی هایی افراد سودجوی موجود در بازار بی پناه است. بدین جهت، به والی مصر دستور می دهد که از حقوق مصرف کننده دفاع کند. «بمان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملاتی بد دادند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می کوشند و کالا را به هر بهای که خواهند می فروشند و این سودجویی و گرانفروشی زیانی است برای همگان و عیب است بر والیان پس باید از احتکار منع نمود که رسول خدا (ص) از آن منع نمود و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد. با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار و آنکه پس از منع تو دست به اختکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان، و دو کیفر او اسراف مکن.» ۲۱۰

۴ - تغذیه رایگان

سطح زندگی تابعی از درآمد است و با توجه به میزان درآمد تعبیر می کند. در میان لایه های پایین جامعه عمق و پراکندگی فقر یکسان نیست و گروهها و دسته هایی در وضعیت اضطرابی به سر می برند. در استراتژیهای توزیعی، گاهی این قشرها و موارد نادیده گرفته می شوند و فقرزدایی از لایه های نزدیک به کمربند فقر شروع می شود که هدف رساندن آنها به بالای خط فقر است. در هر حال، گروههایی که در پایین ترین مرحله قرار دارند، آسیب پذیرترین ها هستند که قادر به تأمین ضروری ترین نیازهای خود نمی باشند و درد اصلی آنها گرسنگی و سوء تغذیه است.

افراد دچار سوء تغذیه و گرسنگی در زمان امام علی (ع) تحت



پوشش برنامه تغذیه رایگان قرار داشتند. امام از بیت‌المال و هم از دارایی خود بدین منظور بهره‌می‌جست. درویشان و تهیدستان شناسایی می‌شدند شب‌هنگام خلیفه مسلمان، خوراک بر دوش به منزلگاه آنان می‌رسید و با این کار و شیوه حکومتگری خود به محرومان که شخصیتشان به خاطر فقرشان همانند جسمشان تحریف و لاغر شده بود، شخصیت می‌داد و برای شکم‌های گرسنه غذا می‌برد.

۵ - تأمین اجتماعی

به نظر می‌رسد که برنامه تغذیه رایگان افراد بسیار فقیر، بجز کوفه در سایر قلمرو حکومت امام (ع) اجرا نمی‌شده است؛ مخصوصاً که براساس منابع موجود، حتی در کوفه امیرالمؤمنین دور از چشمها به امداد رسانی می‌پرداخت. چنانچه این برداشت درست باشد، مقادیر نامه امام به مالک‌اشتر را در مورد تأمین تهیدستان می‌توان به تأمین اجتماعی تعبیر کرد.

طبق دستور امام (ع) مالک مأمور می‌شود که یتیمان، یتیمیان، نیازمندان و زمین‌گیران و فقیرانی که به دلیل حفظ آبروی خود از سؤال می‌پرهیزند و در کل «طبقه سفلی» را تأمین کند. امام تأکید می‌کند که نباید به بهانه انجام کارهای بزرگتری چنین کاری تعطیل بماند. منابع مالی تخصص داده شده از بیت‌المال و محصولات زمینهای خالصه است. با این سیاست، گروههای فوق که نیازمندترینها به انصاف هستند، می‌توانند زندگی بهتری را در پیش گیرند.

«سپس خدا را! خدا را! در طبقه فرودین از مردم! آنان که راه چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و یتیمیان و از بیماری بر جای ماندگانند که در این طبقه مستمندی است خوانده، و مستحق عطایی است به روی خودتیاورنده، و برای خدا حقی از خود را که به آنان اختصاص داده، و نگهبانی آن را به عهده‌ات نهاده پاس دار و بخشی از ثبیت‌المال و بخشی از غله‌های زمینهای خالصه را در هر شهر به آنان واگذار که دور دست‌ترین آنان را همان باید که برای نزدیکان است و آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است. پس مبادا فرورفتن تو، تعطلت از پرداختن به آنان بازت دارد که ضایع‌گذار و سخت‌کاری خود را به خاطر استوار کردن کاری بزرگ و مهم، غذری برایت نیارد... و با آنان چنان رفتار کن که چون خدا را دیدی، جای عذرت بماند، که این گروه از میان مردمان به انصاف نیازمندترند از دیگران؛ ... یتیمان را عهده‌دار باش و کهنسالانی را که چاره‌ای ندارند و دست سؤال پیش نمی‌آرند او این کار بر والیان گرانبار است و گزاردن حق، همه‌جا دشوار» ۲۲۰

به‌طور خلاصه، یک نظام توزیع عادلانه دو اقدام پیش‌رو دارند: کاستن از قله‌های نابرابری و پرکردن گودال فقریج‌نابرابرین، مکانیسم‌مالیاتی از شیوه‌های مهم برای رسیدن به توزیع عادلانه است؛ مخصوصاً اگر مالیات‌ها مستقیم و تصاعدی و قاعد و بزرگی انتقال باشند. در حکومت علوی، انواع

مالیات به بیت‌المال می‌رسید که با توزیع برابر آنها امام آرزوی استقرار نظام توزیعی برابر را داشت. در کنار توزیع بیت‌المال، برنامه‌های تغذیه رایگان و تأمین نیازمندان از تولیدات زمینهای خالصه، تصحیح قیمت عوامل تولید و کنترل بازار برای نجات لایه‌های محروم و رساندن آنها به بالای کمربند فقر اجرا گردید. در عین حال، نباید از یاد برد که بیت‌المال وظیفه تأمین مصارف عمومی دستگاه خلافت، ترویج اسلام و تأمین امنیت داخلی و خارجی را به عهده داشت و از سوی دیگر به خاطر اختلافات و جنگهای تحمیلی بر امام، چنین استنباط می‌شود که امام فرصت توزیع منابع درآمد و اجرای طرحهای درآمدساز را نیافت. با این همه، حکومت علوی در اوج قله نظامهای مدعی توزیع برابر یا عدالت اقتصادی قرار می‌گیرد؛ شاید اگر این سیاستها نبود، اشراف جاهلیت تنه‌ایش نمی‌گذاشتند.

پی‌نوشتها:

- ۱ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی، (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸)، ص ۴۰.
- ۲ - امام علی (ع): «العدل اساس به قوام العالم» الحیاه، ج ۶، ص ۳۳۱.
- ۳ - امام علی (ع): «فان فی العدل سعة» نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۱۶.
- ۴ - امام علی (ع): «الفقر یخرس الفطن عن حجه» الحیاه، ج ۲، ص ۲۸۶.
- ۵ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، صص ۱۱ - ۱۰.
- ۶ - دکتر طه حسین، علی و فرزندان، ترجمه احمد آرام، (تهران، کانون نشر و پژوهشهای اسلامی، بی تا)، ص ۱۴۲.
- ۷ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۳۳۸.
- ۸ - علی و فرزندان، ص ۱۰۸.
- ۹ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۱۲۴. ابن مسعودی بنداری همایه مسلمانان در نامه‌ای که به عامل خود در فارس (مصقلة بن هبیره) می‌نویسد، تمایلی است: «بدان مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می‌برند، چنان از این غنیمت یکسان است»، همان، ص ۳۱۶.
- ۱۰ - همان، ص ۲۸۸.
- ۱۱ - همان، صص ۷ - ۲۸۶.
- ۱۲ - همان، ص ۳۲۴.
- ۱۳ - همان، ص ۲۸۷.
- ۱۴ - همانجا.
- ۱۵ - همان، ص ۴۳۳.
- ۱۶ - ر.ک. طه حسین، علی و فرزندان، صص ۲ - ۱۲۳. این نامه در نهج البلاغه یافت نشد.
- ۱۷ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۲۸۷.
- ۱۸ - همان، نامه ۴۲.
- ۱۹ - همان، صص ۱۵ - ۳۱۳.
- ۲۰ - علی و فرزندان، صص ۲ - ۱۴۱.
- ۲۱ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۳۳۵.
- ۲۲ - همان، صص ۶ - ۳۳۵.